



# مصدق و انتهامات نار

نویسنده: م. ا. ۱.

کمک برای دریافت وام از مراجع بین‌المللی در آن دوره، نه تنها قابل قبول می‌باشد، بلکه در عرف روابط بین‌الملل امری متداول و معمول بود.

دوم آن که: مرحوم مصدق برای دریافت وام از صندوق بین‌المللی پول و کمک‌های خارجی، هیچ‌گاه استقلال مملکت را به خطر نینداخت؛ در نتیجه به خاطر اتخاذ چنین سیاستی کشورمان از دریافت وام ۲۵ میلیون دلاری صندوق بین‌المللی پول محروم ماند. به دیگر سخن، مصدق هیچ‌گاه پای در اردوگاه غرب نهاد، بلکه زیرکانه می‌خواست تا از رقابت‌های سیاسی و اقتصادی انگلیس و آمریکا به نفع منافع ملی کشورمان بهره‌برداری نماید. بدین ترتیب علاوه بر این که به اتخاذ چنین سیاستی ایرادی وارد نیست، بلکه سیاست‌های مصدق در این باب بسیار درخور تحسین است.

سوم آن که: اگر مصدق عامل آمریکا بود، چرا کودتای انگلیسی-آمریکایی ۲۸ مرداد، آن هم با آن صورت وقیحانه علیه دولت دموکراتیک وی انجام شد. بی‌شک حافظه تاریخی مردم جهان هیچ‌گاه این عمل ننگین دولتمردان آن روز آمریکا را از یاد نخواهد برد، چرا که آنها یکی از دموکرات‌ترین دولت‌های دنیا را ساقط کردند تا آرزوهای آزادیخواهان یک ملت به گونه‌ای غیرمنتظره بر باد رود. مع الوصف مخالفت‌ها و معاندت‌هایی که امروز علیه مصدق مطرح می‌گردد، در زمان حیات وی نیز از زبان برخی مغرض بیان می‌شد، به طوری که یکی از نمایندگان آن روز مجلس موسوم به "امامی" از مرحوم مصدق انتقاد کرده و چنین القا می‌کند که نهضت ملی برای کسب درآمدهای نفتی بیشتر و دریافت کمک‌های مالی به راه افتاده است که البته مصدق با صراحت در جواب امامی می‌گوید: "حاضر نیست حاکمیت و استقلال ایران را صرفاً برای جلب حمایت آمریکا زیر پا گذارد."<sup>(۱)</sup>

افزون بر آن آمریکایی‌ها از قبل دریافته بودند که مصدق مردی است که به چیزی جز تأمین منافع ملی کشورش نمی‌اندیشد، بدین روی به دغدغه‌های توخالی خویش هرگز عمل نکردند.

در تأیید این قضیه همین بس که در سند محرمانه سیا که پس از سال‌ها منتشر و در ۱۶ آوریل سال ۲۰۰۰ در روزنامه "نیویورک تایمز" چاپ شد به صراحت آمده: "تا زمانی که مصدق بر مسند قدرت باشد، هیچ کمکی از ایالات متحده به ایران داده نخواهد شد."<sup>(۲)</sup>

آمریکایی‌ها و دوستان انگلیسی‌شان بعد از ناامید شدن از شرایط موجود در

بیش از پنج‌دهه از پیروزی نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق می‌گذرد، اما این داستان شگفت‌انگیز نه تنها با گذر ایام به فراموشی سپرده نشده است، بلکه همچنان طراوت و تازگی خاص خود را دارد. گویا قصه مصدق، دوستان و دشمنانش، داستان امروز ماست، با وجود این که قریب به اتفاق محققان و تاریخ‌نگاران غیر مغرض در موشکافی حقایق تاریخی جانب‌انصاف را نگه داشته‌اند، اما هستند کسانی که هنوز به خاطر کسب امیال سیاسی زودگذر و با استفاده از امکانات و تریبون‌های تبلیغی وسیع، می‌کوشند تا چهره این رادمرد ایرانی را در عرصه مبارزات ملی مردم ایران مخدوش نمایند. در این رهگذر، تأسف‌بارتر آن است که برخی حتی بدیهیات تاریخی را که به مثابه "أظْهَر مِنَ الشَّمْسِ" است، نادیده گرفته و بی‌آن که متوجه پیامد رفتارهای ناجوانمردانه خویش باشند، با تحریف تاریخ، صفت ناموزون و بدترکیب "آمریکایی" را به نام پاک مصدق وصله می‌کنند تا به زعم خویش از آب گل آلود تاریخ، قزل‌آلای سیاسی صید کنند، غافل از این که برخلاف پندار ایشان، اذهان عمومی همچنان رو به سوی افکار و اندیشه‌های ماندگار این مرد بزرگ سوق پیدا کرده است؛ همان چیزی که مردم‌گریزان را بیش از پیش هراسان نموده است.

این دوستان آشنا! برای توجیه فرضیات از قبل انکارشده خویش، به توهماتی چون درخواست کمک برای گرفتن وام از مجامع بین‌المللی اتکا نموده و بدین سبب وی را عامل سیاست‌های آمریکا معرفی می‌نمایند!

در پاسخ به دوستان یادشده باید یادآور شد که اولاً: آنان که دستی در تاریخ دارند و دوست می‌دارند که تاریخ را خارج از تحریف کنکاش نمایند، نیک می‌دانند که ایالات متحده پیش از وقوع جنگ جهانی دوم نسبت به شورهای چون انگلیس و فرانسه، کمتر دارای سوابق استعماری و مداخلات سیاسی در کشورهای جهان بود، چنانچه افکار عمومی مردم جهان نه تنها آمریکا را به عنوان یک کشور استعماری نمی‌پنداشت، بلکه بعضاً از آن کشور به عنوان ناجی حرکت‌های آزادیخواهان یاد می‌شد. به عبارت دیگر، آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و افول قدرت امپراتوری انگلیس و تحلیل نفوذ فرانسه، ناگهان فاتح جنگ شده و رهبری غرب را به دست می‌گیرد و به تدریج گام در جای پای استعمارگران اروپایی می‌نهد. بنابراین هنوز چهره آمریکا در نزد سیاستمداران و مردم جهان به گونه‌ای که امروز مطرح است مخدوش نبود. پس درخواست

پس پرده بر سر نفت ایران توافقی کردند؛ چنان که براساس طرح "آیزنهاور" شرکت نفت انگلیس مقداری از سهام خود را به چند شرکت آمریکایی منتقل نمود<sup>(۳۱)</sup> که در پی آن کمپانی‌های بزرگ آمریکایی در صف مقدم تحریم نفت ایران قرار گرفتند تا هم به یار دیرینه خویش کمک نمایند و مهم‌تر این که سایر کشورهایی نفت خیز از ایران سرمشق نگیرند.<sup>(۳۲)</sup>

ناگفته نماند که خاورمیانه به‌عنوان مهم‌ترین منبع انرژی دنیا، از دیرباز مورد توجه قدرت‌های استعماری بود و دولت‌های قدرتمند همواره سعی داشتند تا از طریق حکومت‌های دست‌نشانده، ثباتی نسبی در منطقه فراهم آورند و بدین گونه بود که ملی‌شدن صنعت نفت در ایران، آغاز یک حرکت ملی و ضداستعماری در منطقه واقع گردید که به مذاق دنیای غرب خوش نمی‌آمد.

ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور سابق آمریکا در کتاب جنگ حقیقی مبحثی را به نام "ایران؛ مقدمه و آغاز" گشوده است که در واقع مراد او چیزی نیست جز این که حرکت ملت ایران سرآغاز حرکت‌های بیدارگرانه در منطقه خاورمیانه بوده است. یکی از این جنبش‌ها و حرکت‌ها که به قول ریچارد نیکسون، "ضربه مهلک بعدی" به‌شمار می‌رفت، ملی‌کردن کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ در مصر به رهبری جمال عبدالناصر بود. از آنجا که بیش از هفتاد درصد نفت مورد نیاز کشورهای غربی از این کانال عبور می‌کرد، پذیرش این موضوع برای اروپا بسیار دشوار بود که حمل و نقل این میزان نفت مورد نیاز آنها در دست سرهنگ عبدالناصر قرار بگیرد. از جمله موارد دیگر، انفجار لوله‌های نفتی کویت توسط کارگران کویتی بود که تحت تأثیر ملی‌شدن کانال سوئز قرار گرفته بودند.

تشکیل سازمان اوپک توسط کشورهای تولیدکننده نفت و اولین تحریم نفتی از سوی اعضای عرب این سازمان در واکنش به جنگ‌های شش‌روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ از دیگر مواردی است که می‌توان برشمرد. همچنین از بالا بردن قیمت نفت در سال ۱۹۷۱ توسط معمر القذافی در لیبی که راه را برای افزایش قیمت نفت از جانب دیگر کشورهای عضو اوپک و تحت فشار گذاردن خریداران گشود و تحریم نفتی اعراب در سال ۱۹۷۳ در واکنش مجدد به جنگ اعراب و اسرائیل که در طی آن تولیدکنندگان عرب خاورمیانه صدور نفت خود را به پاره‌ای از کشورهای مصرف‌کننده و از جمله ایالات متحده آمریکا ممنوع اعلام نمودند و در این میان سازمان اوپک که به اهمیت و قدرت خود پی برده بود، بهای نفت خود را در حدود چهار برابر افزایش داد.<sup>(۳۳)</sup> نیز می‌توان نام برد. نباید فراموش کرد که تمامی این حرکت‌ها که غرب به‌ویژه آمریکا و انگلیس را با چالش‌ها و بحران‌های عظیمی روبه‌رو ساخته متأثر از تصویب قانون ملی‌شدن نفت، خلع ید و نهضت ملی‌شدن نفت در ایران به رهبری دکتر مصدق بود. این حرکت‌ها صد البته با منافع غرب در تضاد بود. وی در کتاب فوق چنین می‌نویسد: "شعار مخالفت با غرب توأم با احساسات شدید و سرشار از هیجانات ملی مصدق، کشور ایران را به اغتشاش و بی‌نظمی سوق داد."<sup>(۳۴)</sup>

با این اوصاف شواهد و اسناد تاریخی محکم و مستدلی وجود دارد که همگی نشان از عدم تساهل مصدق در باب حفظ منافع ملی است و به دیگر بیان شخصیت ممتاز مصدق، مصداق مفهوم "آفتاب آمد دلیل آفتاب" است. اما این پرسش همواره در ذهن حقیقت‌جوی تاریخ مطرح است که چرا برخی این چنین مزورانه فرافکنی نموده و لغزش‌های دیگران را به مرحوم مصدق تعمیم می‌دهند!

برای این که ذهن خوانندگان بیش از پیش متوجه این فرافکنی مزورانه گردد، باید اذعان نمود که در ادامه سند محرمانه سیا - که از آن پیشتر یاد شد - چنین آمده: "پس از کودتا از طریق رادیو و در مساجد اظهار اطمینان کنند که حکومت جدید [حکومت سرلشکر زاهدی] به اصول اسلامی پای بند خواهد بود."<sup>(۳۵)</sup> حال آنان که ژست ضدآمریکایی می‌گیرند و در عین حال بی‌هیچ مدرک محکمه‌پسندی مرحوم مصدق را متهم به سازشکاری می‌نمایند جواب دهند که چه کسی در روز بعد از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد در نطق رادیویی مشهور خود سرلشکر زاهدی را مدافع حیثیت و شرافت ملت ایران خواند؟!<sup>(۳۶)</sup> و یا چه کسانی در اطلاعیه‌ها و نشریات خود، کودتای مزبور را "انقلاب اسلامی" نامیدند و مصدق را غول پیر خون‌آشام، شهید حسین فاطمی را خائن و سرلشکر زاهدی را به‌عنوان نخست‌وزیر انقلابی و قانونی قلمداد نمودند.<sup>(۳۷)</sup>

آیا بهتر نیست که مدعیان به‌جای این که بدیهیات تاریخی را به بازی بگیرند، انرژی خود را صرف توجیه لغزش‌های سیاسی خویش کنند؟ بی‌شک حافظه مردم ایران هیچ‌گاه به این آسانی، کارشکنی‌های همفکران ایشان را در مقابل دولت دموکراتیک مصدق فراموش نخواهد کرد. افزون بر آن، شخصیت ممتاز دکتر محمد مصدق، علاوه بر مردم ایران، چنان تأثیری بر جهانیان گذاشته است که هم‌اکنون بعد از پنج‌دهه از کودتای ۲۸ مرداد، حتی دولتمردان آمریکا از عمل تنگین آن روز دولت آمریکا شرمند و نادمند، چرا که آنها دولتی را ساقط کردند که به لحاظ ساز و کارهای مدنی و مردم‌سالارانه در نوع خود بی‌نظیر بود. اما دریغ و صدافسوس که در کشورمان هنوز هستند کسانی که دوست نمی‌دارند حقایق را آن‌طور که هست درک کنند!

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- کاتوزیان، محمدعلی همایون، مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه: فرزانه طاهری، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۸۰.
- ۲- نوازنی، بهرام، گزیده‌ای از اسناد امنیت ملی آمریکا، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۵۸-۱۵۷، سال ۱۳۷۹، ص ۱۷۰.
- ۳- خلیل‌الله مقدم، احمد، تاریخ جامع ملی‌شدن نفت، علم، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴۷۶.
- ۴- مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ص ۱۷۹.
- ۵- شنیکسون، ریچارد، جنگ حقیقی، جعفر تقه‌الاسلامی، نوین، ۱۳۶۲، ص ۱۲۹.
- ۶- همان، ص ۱۳۳.
- ۷- گزیده‌ای از اسناد امنیت ملی آمریکا (اطلاعات سیاسی-اقتصادی)، ص ۱۷۰.
- ۸- نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی‌شدن صنعت نفت ایران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۴، ص ۳۶۰.
- ۹- مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ص ۲۱۴.

